



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۷۰

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

يكشنبه يازدهم آبان ماه ۱۳۰۹ - ۱۰ جمادی الاخری ۱۳۰۹

قیمت اشتراك سالانه ۱۲۰ تومان
داخله ۱۰ تومان
عارج ۱۲۰ تومان
تک شماره: یکقران

مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز يكشنبه يازدهم آبان ماه ۱۳۰۹ * (۱۰ جادی الثانيه ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

(۱) تصویب صورت مجلس

(۲) بقیه شور ثانی لایحه اصلاح قانون ممیزی

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس شنبه دهم آبان ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

رئیس - آقای طلوع	رئیس - مواد يك و دو و چهار و شش که به کمیسیون
طلوع - پیش از دستور	قوانین مالیه ارجاع شده بود راپورتش را تنظیم کرده اند
رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست ؟	قرائت میشود :
(گفتند - خیر)	کمیسیون قوانین مالیه پیشنهادات واصله آقایان نمایندگان
رئیس - صورت مجلس تصویب شد	مختم را که ضمن شور دوم لایحه اصلاح ممیزی در مواد
[۲ - بقیه شور ثانی لایحه اصلاح قانون ممیزی]	۱-۲-۳-۴-۶ تقدیم مجلس شورای ملی شده بود

* * * عین مذاکرات مشروح بکصد و هفتاد و پنجین جلسه از دورۀ هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)
دائرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه - آقایان مجد ضیائی
بیدری - رهبری - ملک زاده - عباس میرزا - انسر - بوشهري - دکتر سنک - امیر طامری - امیر اعلم - محمد علی میرزا دولتشاهی
فرخی - یالیزی - آصف - اعظم - اسدی - لرستانی - رحیم زاده - موقر - سهرابخان - حاج سید محمود - کفائی - امیر نپور
یات - ادباب کبکسرو - حاج غلام حسین ملک - رفیم - محمد آخوند - نبور تاش
غائبین بی اجازه - آقایان : میرزا حسنخان وثوق - همراز - نوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابو الفضل - حاج حسین آقا مهدوی
شیخعلی مدرس - حاج حسن آقا ملک
دیر آمدگان با اجازه - آقایان ضیاء - حکمت

مطرح شور قرار داده و با اصلاحاتی که در مواد مزبور بعمل آمد راپرت آنرا تنظیم و برای تصویب تقدیم مجلس مقدس مینماید

ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون با استثنای نقاطی که دولت بملاحظه احتیاجات ارزاقی ابقاء مالیات جنسی را در آن جا صلاح بداند مالیات مزبور بطور دائم تبدیل بمالیات نقدی خواهد شد نرخ تسعیر برای تعیین اساس این تبدیل مطابق نرخ آزاد متوسط جنس در شصت ماهه اخیر بدون آفت در محل معین خواهد شد برای تعیین نرخ متوسط جنس در هر يك از ولایات جزء کمیسیون بشرح ذیل تشکیل خواهد گردید

۱ - حاکم یا نماینده او - ۲ - رئیس مالیه یا نماینده او - ۳ - رئیس بلديه یا نماینده او و در نقاطی که رئیس بلديه ندارد رئیس انجمن بلديه - ۴ - دو نفر مالک از معتمدین محل و يك نفر تاجر غله که با توافق نظر حاکم و رئیس مالیه معین میشوند

تبصره ۱ - دولت مکلف است تا ۶ ماه بعد از تصویب این قانون نقاطی را که ابقاء مالیات جنسی را در آن جا صلاح میداند تعیین و اعلان نماید

تبصره ۲ - در نقاطی که اداره ارزاق دائر بوده تعیین نرخ متوسط عادلانه با اختیار کمیسیون خواهد بود و مجبور نخواهد بود که نرخ ارزاقی را مآخذ اتخاذ نماید

مخیر - اجازه میفرمائید؟ این شصت ماه باید پنج سال باشد اشتباه شده است

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - در شور اول بنده يك پیشنهادی کردم و پیشنهاد با کثرت قابل توجه شد و برکشت رفت بکمیسیون و آن پیشنهاد بنده این بود که اینجا مطابق قواعد قضائی دو نفر از طرف دولت هستند پیشکار مالیه و حکومت. دو نفر هم از طرف مالک هستند که از معتمدین محل انتخاب میشوند یک نفر هم از تاجر جنس بتوافق نظر انتخاب میشود و در واقع تبدیل میشود بعد آمدند و رئیس بلديه را هم جزوش کردند بنده پیشنهاد کردم که رئیس انجمن بلدی

باشد نه رئیس بلديه بعلم اینکه رئیس بلديه مرکز دولت است آنوقت طرف دولت سه نفر میشود و طرف مالک دو نفر بنده پیشنهاد کردم که رئیس انجمن بلدی باشد که هم منتخب مردم است و هم منتخب دولت یعنی غیر مستقیم از طرف مردم انتخاب شده است و مستقیماً از طرف دولت انتخاب شده است و حکم وزارت داخله را در دست دارد او معین شود مجلس هم این پیشنهاد را قابل توجه دانست و رأی داد ولی این رفته است به کمیسیون و کمیسیون باز پذیرفته است و همان عین ماده اول را نوشته است و بعقیده بنده این برخلاف عدالت است

وزیر مالیه - کاش که آقا در کمیسیون تشریف میآوردند و تمام بحث ها و دلائلی که اقامه میشد میشنیدند بعد از اینکه و باز رئیس بلديه را ابقاء کرد این جا بنظم از شدت مراقبت در اینکه بیشتر در کار دقت شود اشتباه حاصل شده است اصل مطلب این است که دولت اگر میخواهد تسعیر را معین کند خوب تلگراف میکند مأمور مالیه آنجا معین میکند این کار قضائی و حقوقی نیست خیلی از آقایان نمایندگان که در کمیسیون بودند و علاقه داشتند بکارشان می فرمودند در کمیسیون که اصلاح این کار را نکند خودتان در دفتار دارید که قیمت جنس چه بوده نرخ چه بوده ...

طباطبائی بروجردي - اگر در مرکز تسعیر نرخ معین شود بهتر است

وزیر مالیه - از ادارات مالیه بخواهید تمام شد و رفت. مسئله تسعیر جنس طرفیت دولت با يك تك مالکین که نیست و هر مالکی را که قیمت جنسش را علیحده معین نمی کنند. ما خواستیم که دقتی کرده باشیم گفتیم مأمور مالیه بمعیت (باوجود این که خود اداره مالیه خیلی هم درست تعیین نرخهای کند و هیچ اشتباهی نمی کند) منتهی برای مزید اطمینان قلوب گفتیم حاکم هم ضمیمه باشد بعد گفتند رئیس بلديه هم باشد. ممکن است بگوئیم رئیس نظمی هم باشد رئیس پست و تلگراف هم باشد چند نفر دیگر باشند

ولی پیش از این رسم نبوده که مأمورین دولت سه چهار نفر بیشتر باشند آنوقت کم کم این مطلب بالا رفت و این مذاکرات می شود در صورتیکه مالک فردی طرف دولت نیست و آن مالکینی هم که معین می شوند و آقا تصور می فرمایند آن راهم خود دولت یعنی باتوافق نظر حاکم و رئیس مالیه معین می کند خود حاکم و رئیس مالیه از مالکین دو نفر را معین می کنند يك تاجر غله هم زیاد می شود مقصود این بوده است که خود دولت اساسش را فراهم می آورد آقا خوب حالا که بسط پیدا کرده است و دولت مأمورین خودش را که در خارج هستند در آن جا هستند زیاد کند و همه را ضمیمه کند مثل اینکه ما با یکی یکی مالکین طرف هستیم و کشمکش داریم اینطور که نیست آقا اشتباه فرمائید که مسائل حقوقی و قضائی را می فرمائید این مورد این چیزها نیست مسئله اکثریت نیست این جا مسئله حاکمیت دولت است خود دولت در آنجا معین می کند که نرخ جنس چقدر بوده است منتهی برای مزید اطمینان آمده اند و يك کمیسونی هم تشکیل دادند ولی این جا طرف ما مالک نیست آنجا پنج هزار نفر مالک هستند هر کدام از مالکین که يك نفر یا دو نفر را معین نمی کنند که آقا می فرمایند اکثریت می شود و چه می شود. و گمان میکنم آن اندازه که دولت خواسته است اطمینان کامل حاصل شود از حدش هم گذشته است دیگر حالا بنویسیم رئیس بلديه یار رئیس انجمن بلدی - رئیس انجمن بلدی کیست؟ يك نفر از اعضاء انجمن بلديه است که مجلس را منظم نگاهدارد رئیس آن انجمن ممکن است هیچ اطلاع نداشته باشد ولی رئیس بلديه مطلع است و مکلف است که نرخها را هر روز نگاه دارد و الآن مطابق مقررات هر هفته يك فهرست چاپی يك لیست برای وزارت داخله می فرستد که نرخ گندم برنج فلان فلان چقدر است پس میزان نرخ ارزاق همیشه در دست او هست ولی رئیس انجمن که یکی از اعضاء است و انتخاب می شود او که اطلاعی ندارد.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عرضی ندارم بعضی عرایض داشتم

که در ضمن گفته شد و بنده تکرار نمیکنم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا يك اشتباهی شده بود که آقای مصباح فاطمی خبر اظهار کردند که ۶۰ ماه پنج سال بشود و باید این اصلاح شود يك ستوالی هم از آقای وزیر مالیه دارم که آن تبصره را که اضافه کردید آقای کازرونی توجه فرمائید تا رفع اشکال بشود که دولت مکلف است تا شش ماه نقاطی را که باید جنس گرفته شود اعلان کند خواستم بنده تبصره پیشنهاد کنم ممکن است خود حضرت اجل عالی توضیح بدهید که اگر در ظرف شش ماه هر نقطه را که دولت معین نکرد حکمش همین حکم عمومی باشد و تا شش ماه فرجه باشد از برای دولت.

وزیر مالیه - این شش ماه که میفرمائید حد اعلی است ما تا یکماه معین میکنیم که کجا ابقاء خواهد شد

رئیس - آقای مؤید احمدی پیشنهاد قبل خودشانرا تعقیب میکنند. قرائت میشود:

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول نوشته شود رئیس انجمن بلديه.

مؤید احمدی - عرض کنم که توضیحات آقای وزیر مالیه بنده را متقاعد نکرد بعلم اینکه می فرمایند رئیس انجمن بلدی یکی از اعضاء انجمن است در همین ماده خودتان نوشته اید جاهائی که رئیس بلديه نیست رئیس انجمن بلدی باید باشد. اغلب نقاط ایران الان بنده در کرمان خودمان اطلاع دارم در رفسنجان سیرجان و بعضی جاها حاکم رئیس بلديه است. از طرفی میفرمائید صورت درست میکند رئیس بلديه و میفرستد وزارت داخله البته با اطلاع رئیس انجمن بلدی است رئیس انجمن بلدی هم هر اطلاعاتی که رئیس بلديه دارد در قسمت ارزاق و اینها او هم دارد يك جنبه ملی هم دارد و آن رئیس بلديه که حضرت عالی میفرمائید در جاهای دیگر است اینجا از طرف دولت يك نفر را گذارده اند يك عضو رتبه دو را اسمش

را گذاشته‌اند رئیس بلدیہ و در یک شهری گذاشته‌اند لکن رئیس انجمن بلدیہ چون از تجار و محترمین هستند که هم دولت انتخاب شان کرده و صورت فرستاده‌اند بوزارت داخله وزارت داخله صورت را فرستاده‌اند بهیئت وزراء هیئت وزراء هم آن را انتخاب کرده است و وزیر داخله هم حکم او را صادر کرده و داده است با آن رئیس بلدیہ که آن جا حالا نشسته است فرق دارد اطلاعاتش هم خیلی از این رؤسای بلدیہ که از اینجا می‌فرستند بیشتر است هیچ شبهه در این مسئله نیست این است توضیحات بنده .

مخبر - جوابی که لازم بود بفرمایش آقا داده شد حالا بسته است بنظر آقایان

رئیس - راجع باین پیشنهاد در جلسه قبل رای گرفته بودیم و قابل توجه شد حالا رای قطعی میکیریم موافقین با پیشنهاد آقای مؤید احمدی قیام فرمایند .

(اکثر قیام فرمایند)

رئیس - تصویب شد . رای میکیریم بماده اول با افزایش آنچه را که از پیشنهاد آقای مؤید احمدی تصویب شد (آقا سید یعقوب - و تبدیل ۶۰ ماه به ۵ سال) این قسمت هم تصحیح شده است موافقین قیام فرمایند .

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده دوم تصویب شده است . ماده سوم قرائت میشود :

ماده سوم - هر مؤدی که اقساط مالیات خود را بموقع مقررہ تأدیہ نکند ملزم خواهد بود که برای هر مبلغی که تأدیہ نموده است بشرح ذیل علاوه بر مالیات مقررہ تأدیہ نماید .

سی روز تاخیر نیم عشر اضافه

شصت روز تاخیر یک عشر اضافه

نود روز تاخیر یک عشر و نیم اضافه

یکصد و بیست روز تاخیر دو عشر اضافه

تأخیر تأدیہ مالیات علاوه بر صد و بیست روز جائز نبوده و مأمورین مالیہ مکلف خواهند بود از حاصل

گذاشته بنده یک پیشنهادی کردم که قابل توجه شده بود راجع به وجه التزام یعنی تبدیل کلمه مکلف است بمجاز است و پیشنهادی هم دادم در مجلس تصویب شد آقای وزیر مالیہ هم تصدیق کردند زیرا که کلمه مکلف است حکم تکالیفی است و نمیتوانند نفرشند - آقای مخبر هم موافقت فرمودند بمیدانم چطور شده است در کمیسیون این نکته که کمال اهمیت را دارد از نقطه نظر عمل فراموش شده است خواستم از آقای وزیر مالیہ استفسار کنم که اگر بمقیدہ سابق خودشان باقی هستند اصلاح کنند که مکلف خواهند بود تبدیل شود بمجاز خواهند بود

وزیر مالیہ - بلی اشتباه شده مکلف خواهند بود بمجاز خواهند بود بشود . مأمورین مالیہ مجاز خواهند بود از حاصل املاک سهم مؤدی الی آخر

رئیس - ولی راجع بیک قسمت دیگر از پیشنهاد آقا که قابل توجه شد و بکمیسیون ارجاع شد کمیسیون ترتیب اثری نداده است .

شریعت زاده - در آن قسمت عرضی ندارم

رئیس - یک بار دیگر ماده را میخوانیم و رأی میگیریم .

(مجدداً ماده سوم با اضافه جمله باستثنای مستثنیات دین که در قانون اصول محاکمات مصرح است بعد از جمله بقیہ دارائی مستنکف و تبدیل جمله مأمورین مالیہ مکلف خواهند بود بمجاز خواهند بود قرائت شد)

رئیس - موافقین با ماده سوم قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده چهارم قرائت میشود : ماده چهارم - کلیه مالکین و یا نمایندگان آنها مکلفند که شصت روز بعد از تصویب این قانون منتهی در ظرف سه ماه اطلاعات ذیل را کتباً بداره مالیہ محل و یا نماینده آن تسلیم نمایند اداره مالیہ هم مکلف بدادن رسید خواهد بود

(۱) - اسم ملک

(۲) - اسم مالک

(۳) - میزان متوسط انواع محصول ملک بر طبق عمل کرد ملک در سه سال از سالهای اخیر بدون آفت

(۴) - عواید نقدی و جنسی مالک در سال عادی بدون آفت .

(۵) - عده جفت گاو و یا عوامل متشابه

(۶) - تناسب تقسیم محصول بین مالک و رعیت

(۷) - مخارج معمولی ملک در هر سال

نسبت باملاکی که در اجاره هستند اطلاعات مذکورہ باید بامضای مالک و یا نماینده آن و مستاجر ملک باشد وزارت مالیہ مکلف است که از تاریخ تصویب این قانون منتهی تا دو ماه تمام وسایل انجام اظهار نامهای فوق را در محل تهیه و اعلانات لازمه را چه بوسیله مأمورین خود و کدخدایان قراء و چه بوسیله نشر در جراید منتشر سازد و اوراق اظهار نامها را تهیه و بدسترس مالکین گذارد .

تبصره - مالک میتواند نسبت بمحصولاتی که خود بهره از آن ندارد و یا مقاطعه است از متصدیان اظهار نامه کتبی راجع بمحصول بقید التزام متمهد مسئولیت گرفته نتیجه این اظهار نامه ها را در اظهار نامه خود که بدولت میدهد درج نماید در اینصورت در موقع ظهور اختلاف در این قسمت جریمه مذکور در ماده (۷) بمتصدیان مزبور متوجه خواهد شد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در اینجا اصلاحاتی که باید بشود شده و من خیلی تقدیر میکنم هم کمیسیون را و هم آقای وزیر مالیہ را که بعضی شبهاتی که بود رفع کردند ولی باز بعضی شبهات هم هست که باید رفع شود یکی این است نوشته است اگر ملک در اجاره باشد باید آن اظهار نامه بامضای مالک و مستاجر باشد مثلاً اگر مالک در اینجا نباشد و رفته است بامریکا ملکش را هم اجاره داده است دستش هم تا دو ماه نمیرسد در اینجا خوب است این اختیار را بدهند که در صورتیکه مالک در ملک نباشد همان امضاء مستاجر کافی باشد . موضوع دیگر راجع بمسئله

رعیت و حاصل رعیت است که عنوان کردید. با نمیتوانیم آقا معین کنیم عوائد رعیت را که بعنوان متصدی معین کردید. آن متصدی این کار را بکرد تکلیف را وزارت مالیه و قانون متوجه بمالك میکند که مالك مكلف است آن قسمت از سهم خودش از عوائد خودش را صورت بدهد و نسبت بمتصدی که رعیت باشد یا دیگری باشد که حسب المقاطعه داده است باید از او صورت بگیرد اگر نداد من که قوه حاکمه ندارم آقا که حکومت داشته باشم در صورتیکه او غفلت بکند و ندهد من چه بکنم من عمل خودم را کرده ام اظهار نامه آمده است پیش من و من صورت محصول خودم را از روی آن چیزیکه عوائد خودم است بر میدارم و مینویسم و میدهم و اما نسبت بر رعیت حسب المقاطعه است که داده ام صیفی و شتوی و فلان او که صورت بمن نداده و علت اینکه ما او را مکلف نکرده ایم اگر در صورت تخلف او تخلف کرد حالا او را من فشار خودم را می آورم که بدهد اگر تخلف کرد و نداد اینجا آن عقاب و جریمه که نسبت بمالك معین شده در صورت تخلف متصدی غرض این است که اینجا هیچ جریمه نباید برش مترتب باشد...

اورنگ - جایش این در ماده ۷ است آقا

آقا سید یعقوب - این يك موضوع دیگر که باز می خواهم توضیح بدهم همین است که آقای وزیر مالیه باید صریحاً اذعان بفرمایند یا آقای مخبر چون در صورت مجلس نوشته نشده بود در آن ماده که بنده عریضی کردم آقای اورنگ و آقای وزیر مالیه هم اظهاراتی کردند آن جا نوشته نشده بود که این جا آقای وزیر مالیه فرمودند این اظهار نامه در واقع نسبت بخود مالك است نه نسبت بغير و تکلیفی است که راجع بخودش است. در این جا در صورت مجلس نوشته نشده بود توضیح داده شود که رفع اشکال بشود چون محصول مالك آن چه راجع بمالك است که خود مالك صورت میدهد و آن چه که راجع به متصدی است که رعیت یا مستأجر باشد بنده که مالك هستم بر عهده میگویم صورت عایدیت را بنده صورت

محصول را بنده بمن من در اظهار نامه درج بکنم بدم بدولت او هم بدهد من میدهم بوزارت مالیه وزارت مالیه هم تحقیق میکند که اگر خلاف گفته باشد آن متصدی جریمه نسبت باو باید باشد آقا نه نسبت بمن این قسمت را باید توضیح بدهند در این لایحه که امروز آورده اند و تقدیم کرده اند

رئیس - آقای مالك مدنی

ملك مدنی - عرض کنم که این ایراد آقای آقا سید یعقوب تقریباً وارد است ولی ماده پنج رفع این اشکال را میکند برای اینکه در ماده پنج در صورت تخلف تکلیفی بدادن اظهار نامه اگر این تکلیف در قسمت سهم رعایا باشد بر خود آنها متوجه میشود و اگر تخلفی کند همان طوری که در ماده پنج معین شده است عهده دار مجازات است خودشان هستند...

طلوع - رعیت و زارع را مجازات میکنید؟

ملك مدنی - بلی بلی (طلوع) - برای چه؟ برای این که این قضیه خیلی در مجلس و در کمیسیون صحبت شد خود حضرت عالی هم تشریف داشتید آن جا مذاکرات زیاد شد در واقع اغلب اشخاصی که علاقه مند بودند که این ماده بطور جامعی تصویب شود در کمیسیون بودند و اینطور تصویب شد و مذاکره شد و این فرمول اخیر در نظر گرفته شد که آن جاهائی که مالك با رعایا عمل مقاطعه میکند و بالاخره همان طوری که آقای اورنگ تشریح فرمودند سایر آقایان هم فرمودند مالك اطلاع صحیحی از میزان عایدات محصول صیفی و باغات و بشته و این قسمت ها ندارد و این قسمت ها را مكلف کنند که خود دهاقین و زارعین صورت بدهند و البته وقتی خود آنها مكلف شدند بدادن صورت مكلف هستند که از روی واقع و صحت بدهند و اگر هم تخلف کردند بر طبق این موادی که این جا معین شده اگر جرأتی متوجه خودشان می شود و این قضیه مسلم شد که خود مالك در قسمت صیفی و باغات اطلاعی ندارد و باید رجوع کند بخود آنها و الا نمیتواند صورت با مأخذ صحیحی بدهد و از رعایا باید

بخواید و وقتیکه مراجعه کرد به آنها بطوریکه ملاحظه کردید در ماده صریح و روشن نوشته است که خود رعایا صورت را تهیه کنند و بیاورند بدهند بمالك و مالك از روی صورت آنها اظهار نامه بدهد این برای این بود که همان اشکالاتی که در مجلس پیش آمد کرده بود و وارد هم بود همه ما اطلاع داریم منحصر بیک نقطه مملکت هم نیست تمام قسمت های مملکت در جنوب و شمال و شرق و غرب همه باین مسئله متوجه اند و مبتلایشان است که با رعیت در خصوص صیفی و بشته و باغ و چیزهای جزئی دیگر مقاطعه میکنند و هیچ مالکین از عایداتش اطلاع ندارند و قبیله دولت میخواهد يك احصائیه داشته باشد که میزان محصول در دستش باشد باید به آنکسیکه عمل میکند رجوع کند و الا مالکی که در طهران نشسته و از هیچ چیز خبر ندارد که در فارس چه معامله می شود نباید او را ملزم کرد و وقتی هم که ما ملزم کردیم خود زارع بدهد البته خود زارع تا يك مجازاتی برایش در نظر گرفته نشود در دادن صورت دقت نمی کند این است که بعقیده بنده اشکالاتی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند وارد است ولی در ماده ۵ رفع شده است و خود او را مكلف کرده اند اما در قسمت اینکه فرمودید اگر چنانچه يك مالکی در امریکا بود و این جا نبود این مدت کافی نیست که بتواند او اظهار نامه را پر کند و امضا کند بدهد بمالیه محل ما در اینجا آقا قاید کردیم که مالك یا نماینده او از برای اینکه نماینده مالك قائم مقام او باشد که در این صورت نظر بنده ایرادی نیست و همانطوریکه خود حضرت عالی منصفانه تصدیق کردید اصلاحاتی که لازم بوده است در این قانون شده است در کمیسیون

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عرض کردم در مالیات گرفتن باید بنا را بر فق و مدارا گذاشت در مجلس هم دیروز عرض کردم که نسبت بکسانی که همه قسم خیانت ب مردم از حیث سرقت و غیر سرقت میکنند آقدر مدارا میکنند حتی اگر يك کسی این جا اظهار کند که مجازات باید شدید شود هزار قسم صحبت ها با او از قبیل آقای یاسائی

می کنند اما نسبت بکسی که آمده و مالیاتش را یا اشتباهاً یا عمداً کم گفته آنوقت مجازات باین سختی در این ماده هست که حواله می کنند بمجازات در ماده هفت مجازات ماده شش را که در صورتیکه دوعشر باشد يك عشر باشد دو مقابل تخلف که دوعشر باشد پنج مقابل باید جریمه بگیرند در ماده هفت این است که پنج مقابل از عایدات مالك خلاصه اش این است که اگر کسی ده هزار تومان عایدش باشد و مالك آمد پنجهزار تومان صورت داد آنوقت پنجهزار تومان اینجا تخلف شده است آنوقت جریمه این پنجهزار تومان چقدر می شود؟ بیست و پنجهزار تومان اینجا به نینم این چیزی است که ممکن است و می شود داد؟ ابداً نمی شود داد؟ دولت میتواند بگیرد؟ نه مالك می تواند بدهد؟ ابداً نمی شود پس اینجا هم همانطور که نسبت بسارقین و خائنین منانان بهربانی است نسبت بمالك و زارع هم منانان بر آفت و مهربانی باشد آنجا بر آفت و مهربانی میکند که کسی تواند نفس بکشد و پا می شوند چندان بدهم بهش میگویند اما در اینجا هیچکس حرف نمی زند بنده عقیده ام این است همان بر آفت و مهربانی را که نسبت ب دیگران میکنید در اینجا هم قرار بدهید که در صورت تخلف دو برابر مالیات آن یا پنج برابر آن مقداریکه کسر گفته گرفته نشود که پنجهزار تومان تخلف در اصل عایدات بیست و پنجهزار تومان شما جریمه برای او قرار بدهید این از جمله مطالب نشدنی است و اسباب زحمت خود دولت و رعیت خواهد شد پس جریمه تخلف را دو برابر مالیات و پنج برابر مالیات قرار ندهید.

وزیر مالیه - گویا بعضی از آقایان که دغدغه خاطری داشتند نسبت بمحصول ملك بود که میگفتند شاید آدم کاملاً نتواند درست بگوید و يك عشر ممکن است اشتباه کند بعد تقاضا کردند نوشته شود دوعشر ولی همان آقایان میگفتند که اگر مالك بگوید ممکن است پیش از دو عشر هم اشتباه داشته باشد چون عایدات خودش را تنها میداند چنانکه يك مثلی میاورند که اگر يك کسی سه تومان و نیم عایدات یا حاصل دارد هفت قرانش را

زاعری در این مملکت نیست که بدون شور با اربابش يك صورتی بدهد هر صورتی را با اربابش شور میکنند و مینویسد حالا آقایان ارباب را از مجازات معاف میکنند و رعیت را گیر میندازند کدام رعیت کدام دهقانی است که بدون شور با اربابش خیال کند و جرأت بکند که يك صورتی را تنظیم بکند حالا بکنفری را پیدا کرد بد که در طهران باشد و رعیتش جای دیگر خیلی نادر است ولی اکثر اینطور است که بالاخره رعیت و دهقان بدون صلاح و بدون مشورت با اربابش هیچ کاری نمیکند و هیچ صورتی نخواهد داد شما میخواهید کاری بکنید که آن رعیت بدبخت بیچاره که نمیفهمد و سواد ندارد مجازات شود و مالک هیچ مجازات نشود و خواهش میکنم از آقای وزیر مالیه که این قسمت را اصلاح کنند و در موقع رأی هم استدعا دارم این قسمت نجزیه شود.

وزیر مالیه - بنده باید عرض کنم که این اصلاح بنظر مجلس است و ما اصرار داریم در این نکته که باید محصول را صورت بدهند و آن چیزی که بهم مالک است دولت بداند گفته شد که شما عایدات را میخواهید چکار با محصول دارید ما میخواهیم بدانیم آن چیزی که محصول املاک است چه چیز است ما اظهار نامه ها را پنجاه فقره چیز ننوشتیم خیلی سنگینش نکردیم هفت هشت تا چیز نوشتیم که از برای مالیات و احصائیه و همه چیز مملکت در آتیه لازم است چه مالک بدهد و چه کس دیگر خواه مالک از کس دیگر بگیرد و بدهد و در قانون دولت که نوشته است که مالک باید عایدات و محصول مالک خودش را صورت بدهد و در محصول ملک هم وسعت داده شده است و گفته شده است تا دو عشر یعنی تا بیست من در صد من میتواند اشتباه بکند و آن اشتباهش معاف است ولی آقایان این ایراد را در جلسه گذشته کردند و بکمیسون رفت و این نتیجه رای کمیسون است و بنده اصراری در تبصره ندارم و همانطوریکه فرمودید ممکن است نجزیه شود

رئیس آقای شریعت زاده

اشتباه کنید چه می شود اینجا يك مثلی خیلی کوچکی میگرداند در يك مورد دیگر که لازم می شود يك مقدار خیلی بزرگی را بگویند که اگر کسی ده هزار تومان عایدی داشت پنجاه هزار تومان اشتباه کرد باید بیست و پنجاه هزار تومان جریمه بدهد بنده عرض میکنم که باید او را صد هزار تومان جریمه کرد و ملکش را هم توقیف کرد که همچو دروغ باین بزرگی را گفته در ده هزار تومان کسی ممکن است اینقدر اشتباه کند میفرماید سایر تقصیرها را مجازات میکنند مگر دروغ از مجرمات شرعیه نیست اگر کسی شراب بخورد چرا او را مجازات میکنند ولی اگر يك مالکی يك دروغی گفته بگوید چرا این را مجازات کردید خوب دروغ از بزرگترین گناهان ما است (صحیح است) مگر اینکه بگویند آدم اگر دروغ بگوید و کبریا ندهد خوبست و ثواب دارد اگر دروغ بگوید و مالیاتش را ندهد خوبست اگر بدولت هم دروغ بگوید و بمخارج عمومی مملکت خیانت بکند و ملکی را که ده هزار تومان عایدی دارد پنجاه هزار تومان صورت بدهد خوبست ولی خیر جریمه این آدم بیست و پنجاه هزار تومان هم خیلی کم است اگر همچو آدمی که تا پنجاه سال دیگر میخواهد هر سال پنجاه هزار تومان از مالیات دولت بدزدد يك چنین آدمی را باید هم جریمه کرد و حبسش هم کرد

رئیس - آقای عدل

عدل - موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - عرضی ندارم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

یاسائی - بنده عرضی دارم

رئیس - بفرمائید

یاسائی - عرض میشود بنده با این پیشنهاد اصلاحی که در کمیسون مالیه کردند مخالفم معلوم میشود آقایان تمام اصلاحشان در ماده این بوده است که چطور منفعت مالکین را باید حفظ کرد مالک را از مجازات معاف کرد و گذاشت تمام را بر دوش رعیت (بعضی از نمایندگان نیست اینطور - طلوع چرا اینطور است) نه آقا هیچ

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای طلوع

طلوع - بنده مخالفم همانطوریکه آقای یاسائی فرمودند اولاً آقای ملک بنده در این قسمت در کمیسون نبودم آنجا در کمیسون اختلاف بود در اینکه اگر مستأجر برایش آنجا حق قائل شدیم که آمد این اظهار نامه را امضا کرد اگر مستأجر اعمال غرض با مالک کرد و مالک هم مسافرت کرده بود و نبود تکلیف چیست؟ بنده معتقد بودم که امضا کنند این اظهار نامه اعم از مالک یا بنده مالک یا مستأجر هر کس امضا کرده است مسؤول امضاء خودش است و باید مجازات شود اما زارعین را آمده اند اینجا مسؤول اظهار نامه قرار داده اند بعقیده من این عملی نیست برای دولت هم عملی نیست شما آمده اید برای امضای اظهار نامه مجازات قائل شده اید يك زاعری که بهیچوجه من الوجوه نمیتواند آنوقت خودش را تأمین کند شما چه مجازاتی باو میکنید چه دارد که میخواهید جریمه اش بکنید فقط چیزی که میشود باید در تمام ایالات و ولایات زارعین را از کار خودشان و از زراعت خودشان باز بداریم و بیاوریم در نظمیة حبس کنیم که این برخلاف مقررات قانون عمل کرده و بعقیده بنده نه صلاح دولت است و نه صلاح مملکت

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم ما هیچ اصراری نداریم که این جا برای رعیت و مالک جریمه قائل شده باشیم این لایحه ایست که دولت آورده است و شما چرا قضاوت را يك طرفی میکنید يك مالک بیچاره بدبختی که نشسته است و هیچ از ملکش اطلاع ندارد از روی چه عدل و انصافی شما میخواهید او را ملزم کنید که عایدات رعیت را صورت بدهد و اگر چنانچه تخلف کرد مجازات بر او مترتب شود (طلوع - زارع چه چیز دارد که ارزش جریمه بگیرند؟) اجازه بفرمائید همانطوری که شما دارید طرف زارع را میکوبید طرف مالک بیچاره را هم که تمام عوارض در این مملکت بردوش او است

نمی گیرید مراعات او را هم بکنید مگر مالک اهل این مملکت نیست شما میفرمائید وقتی که کسی مالک واقع شد تمام فشارها را به رعیت وارد می آورد مثلاً بنده که دو شعیر ملک دارم این جا اجتناب دارم که دفاع از مالک بکنم بنده عرض میکنم مالک است که رعیت را زنده نگاه داشته است که در این مملکت اگر مالک نباشد رعیت هیچ کار نمیتواند بکند مالک آن علاقه که بر رعیتش دارد مثالی است در صفحات ما که او را مثل اولاد خودش میدانند (صحیح است) ...

طلوع - او نباید مجازات بشود

ملک مدنی - اجازه بفرمائید وقتی که شما بیاید

این جا در قانون مجازات قائل شوید که وقتی که او تخلف کرد پنج برابر باید بدهد بنده الان قضیه را تشریح میکنم که اساساً مالک نمیتواند این اظهار نامه را امضاء کند (طلوع - بنده خودم هم مخالف هستم و بنده اول عرض کردم) ما با این قانون ملزم میکنیم مالک را که عایدات سهم خودش را در اظهار نامه تعیین کند و اظهار نامه را بمالیه تسلیم کند اگر هم تخلف کرد پنج برابر او را جریمه بپردازد. این مملکت قسمت زیادیش بیشه و باغ دارد حالا صیفی را کنار بگذاریم باغ در يك جریب هزار ذرعیش که پنج خروار عایدی دارد مثلاً يك تومان مالک میکیرد و غالب معاملات این مملکت هم بنده میخواهم عرض کنم که اتفاقاً هیچ مالکی از باغ بهره جنس نمیکیرد و نقدی است و بطور مقاطعة است از هر جریبی یا يك تومان میکیرد یا پنجقران میکیرد یا با نازده قران میکیرد این مالکی که بکتومان یا پنج هزار میکیرد از کجا میفهمد که چقدر عایدی دارد نه خودش نه آباء و اجدادش عمل بجزء نکرده است که بفهمد بهره اش چیست و چقدر عایدی دارد و ما میخواهیم او را مجبور کنیم که تو بیا و صورت عایدات را بده اگر هم تخلف شد و کم و زیاد شد آنوقت مجازات میشود اگر حقیقه مقصود این است که بمالکین يك تضییقی شده باشد خیلی خوب بنده حرفی ندارم ولی ما آمدیم در کمیسون نشستیم دو طرف

فصلیه را گرفتیم و دیدیم که این تکلیف باید بعهده آن کسی باشد که خودش عمل میکند و عهده دار جمع آوری محصول است آن کی است؟ زارع است. حالا شما میخواهید اصلاح کنید بنده عقیده ام این است که بهتر این است که اساساً اگر زارع بخلف کرد از پرداخت جریمه او را هدف کنیم.

آقای سید یعقوب - بنده مخالفم اجازه میفرمائید؟

رئیس - خیر آقای مهدوی

مهدوی - بنده موافق هستم با تبصره

رئیس - آقای اورنگ موافقت یا مخالف

اورنگ - بنده با تبصره موافقم.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده هم موافقم

رئیس - آقای ظهرائی

ظهرائی عرض کنم که این تبصره معنایش الغاء این قانون است اینکه میگویند مالکین از این نمره محصول زراعی اطلاع ندارند همان اطلاع تقریبی است را بنویسند که من از این يك جریب يك تومان میگیرم ولی عایدات تقریبی این جا ممکن است اینچنین باشد یکسال پنج تومان عمل میکند یکسال يك تومان (بعضی از نمایندگان ممکن است اختلاف داشته باشد؟) ماده را اصلاح کنید این نمره عایدات تقریبی را که مالک صورت میدهد طوری ماده را بنویسند که مجازاتی متوجهش نشود (اورنگ) نمی شود دولت میخواهد میزان محصول را بداند (آقا اجازه بدهید فرمایشی دارید بیابید اینجا بکنید این ماده گذشتن این ماده طرف کردن دولت است با تمام طبقات این مملکت یعنی طبقه زارعین و بالاخره لغوشدن این لایحه و این ماده است و غیر از اینهم چیزی نیست برای اینکه چطور آقا مالک نمیداند که عایدی ملکش چه چیز است؟ اگر نمیداند تقریبش را که میداند دو هزار تومان است سه هزار تومان است تقریبش را اجازه بدهید بنویسد که رعیت سه هزار تومان، چهار هزار تومان، پنج هزار تومان فایده میبرد و عمل میکند این تقریب

عموم مالکین را که ملاحظه نفرمائید اینست که بنده عرض میکنم بنده و جنابعالی و همه که موافقت میکنیم زارع آقای وزیر مالیه اظهار میکنند که آن مالک که مالیات نمیدهد او اظهار نامه بدهد و در صورت تخلف هم او جریمه بشود نسبت به آن امر دومش آن امری است در واقع دولت میخواهد بتوسط مالک و توسط رعیت اطلاع از محصول مملکت خودش پیدا کند لازم نیست که اینجا عیبی داشته باشد و بمالک بگوید اگر مالک بخلف کرد در دادن صورت آن عوارض آن عقاب برش مرتب است و مجازات دارد اگر خلاف واقع نسبت برعیت بود جرم قابل نشود چون دلیلی ندارد تکلیف کنید مالک ورعیت را بصورت ذاتی و اگر صورت واقعی نداد جریمه اش کنید اگر هم جریمه نشود از این باندید که رعیت و مالک هم اینصورت را صحیح میدانند اگر مالک خلاف گفت چون مربوط به مالیات است جرم داشته باشد اما اگر از طرف رعیت خلاف شد جرمی نداشته باشد و الان هم بنده با آقای ملک آرائی صحبت می کردم که خدا کند این وزیر مالیه موافق شود به معنیزی و بعمل بیندازد و حالا شما بفرمائید والا هیچ جا مثل مجلس رأی به قانون شما نمیدهند در عمل خواهید دید اما این قانون ممیزی هفت سال است گذشته تازه سه ماده اش جریان پیدا کرده است حالا شما می آئید این سه ماده که جریان پیدا کرده نسخ میکنید و الان مارا ملزم میکنید که اگر رعیت خلاف گفت یا باید مالک جریمه بدهد یا رعیت این جریمه را الان بردارند سال اول اگر معین نشد سال دوم معین میشود که محصول مملکت چه چیز است و گمان میکنم که اگر باین طریق موافقت کنید قضیه حل میشود و آن اختلاف نظر شما راجع به رعیت و مالک رفع میشود.

وزیر مالیه - البته ما نمیخواهیم نه بمالک و نه به رعیت به هیچکدام تضییقی وارد نشود مطلب این است که دولت محصول املاک را بداند و البته دانستن محصول املاک هم فقط برای گرفتن مالیات نیست ممکن است محصولانی باشد که الان مالیات بهش تعلق نمیگردد ولی اگر

يك وقت دیگر اقتضا کرد و مجلس رأی داد که از آن چیزی که امروز مالیات گرفته نمیشود مالیات بگیرند (فرض است) باز باید دوباره ممیزی کنند؟ دولت می خواهد که بداند در تمام مملکت چه محصولی هست شما میفرمائید که از این محصول مالیات نمیدهد یعنی به مالک بهره نمیرسد که مالیات بدهد. يك چیزی هست که به مالک سهم میرسد ولی بدوالت مالیات نمیدهد يك وقت چیزی هست که از آن چیزی سهمی به مالک نمی رسد و مثلاً نقدی می گیرد و به دولت مالیات می دهد يك وقت هست که مالک چیزی می گیرد و رعیت نمیدهد و بدوالت هم از آن مالیات داده میشود آن قسم سوم است خوب اگر چیزی بدوالت میرسد خوب البته مالیات دهنده مسؤل است که عایداتش را صورت بدهد چه رعیت باشد و چه مالک کل باشد اگر دهانی و غلافجانی باشد که مالک جزئی است یعنی هر کسی که يك يك مزرعه کوچکی دارد البته دولت و اداره مالیه با آنها هم طرف است همیشه که مالیات دهنده مالک کل نیست مالک جزء هم هست هر کسی در مزرعه خودش زراعت میکند او اظهارنامه میدهد و دولت هم از او مالیات می گیرد این يك چیز فوق العاده نیست که زارع یا آن کسی که مالک جزء است دولت با او طرف شود ولی مطلب این جا است که هر دو چیز را آقایان میدانند از يك طرف میگویند که حتی الامکان خوب است که مالک مادر حساب باشد و يك قلعه دور ملک خودش داشته باشد که هر کسی هر چه میخواهد از او بخواهد و هر کسی حرفی دارد باو بگوید و آنوقت میگویند شما بگوئید...

رئیس - (خطاب به آقای وزیر مالیه) آقا تامل نفرمائید عده مان برای مذاکره کافی نیست (در این موقع چند نفر از آقایان نمایندگان وارد مجلس شدند) **وزیر مالیه** - بکطرف میگوئید که هر چه میخواهید سؤال کنید از مالک بپرسید میگوئیم خوب از خودت میپرسیم آنوقت که سؤال میشود میگویند نمیدانیم و

اطلاع نداریم بالاخره یکی از این دو طریق باید حل شود با این است که شما میفرمائید که مالک بکطوری بتواند صورت بدهد ولی بطور تحقیق نمیتواند بگوید گفته میشود که يك عشر هم میتواند اشتباه کند سه عشر هم میتواند البته میدانید که اگر چنانچه يك محصولی در يك ملكی باشد و يك اشخاصی بخواهند از محصول آن ملك تحقیقاتی بکنند برای تحقیق از همه نزدیکتر همان خود مالک است حالا ممکن است دولت تحقیق کند امین مالیه تحقیق کند، تحصیلدار تحقیق کند، کدخدای تحقیق کند مالک تحقیق کند از همه بهتر کی میتواند تحقیق کند؟ خود مالک چون او نزدیکترین کس است نسبت به ملك حالا ممکن است که اشتباه کند البته در صورت تخلف هزینه هم برایش معین شده ولی اشتباهش را وسعت داده ام يك املاك دیگری است که میفرمائید رعیت اصلا مالیات بده نیست نه بتوسط مالک میدهد و نه خودش مستقیماً میدهد در آن موارد همان چیزیکه فرمودید میشود اجرا کرد یعنی آن مواردی که دهنده ندارد فقط برای اطلاع میخواهند می شود بدون مجازات قرار داد ولی بهر حال محصول باید ثبت شود و بهترین شخصی که محصول را ممکن است ثبت کند بعقیده من مالک است ولی اگر مالک استنکاف کند چاره در اینجا غیر از این نخواهد بود که مکلف شود خود رعیت یعنی آن کسیکه متصدی است و مستقیماً در ملك دخالت دارد و اگر او هم دروغ بگوید باید از جریمه بگیرند اگر دولت با او طرف است باید همینطور در صورت خلاف رفتار کند و اگر عوائد خودش را نتواند تحقیق کند چطور میز دولت میتواند تحقیق کند و اگر مالک تحقیق کند و صورت صحیح ندهد خود دولت باید مجزی کند آنوقت زحمتش به رعیت خواهد رسید وقتی که شما میخواهید که زحمتش به رعیت نرسد باید حتماً يك کسی را مکلف کنید که اظهار نامه بدهد و صحیح هم بدهد حالا آقایان تفاوت و اشتباه را کم میدانند بنده عرضی ندارم يك قدری بیشتر بکنید دائره اش را ولی بهترین طریق بعقیده

بنده این است که خود مالک مکلف باشد که محصولش را تحقیق بکند و بعد از آنکه درست وسائل تحقیق را بکار برد ممکن است صدی پنج صدی ده صدی بیست و پنج اشتباه بکند ممکن نیست بعد از تحقیق دیگر نصف نصف اشتباه کند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

دهشی - يك بار دیگر تبصره قرائت شود چون غالب آقایان ملتفت نشده اند.

رئیس - آقای دهشی تقاضا دارند که يك بار دیگر تبصره قرائت شود قرائت میشود:

تبصره - مالک میتواند نسبت بمحصولاتی که خود بهره از آن ندارد و یا مقاطعه است از متصدیان اظهار نامه کتبی راجع بمحصول بقید التزام تمهد مسؤلیت گرفته نتیجه این اظهار نامه را در اظهار نامه خود که به دولت میدهد درج نماید. در اینصورت در موقع ظهور خلاف در اینقسمت جریمه مذکور در ماده ۷ بمتصدیان مزبور متوجه خواهد شد

رئیس - پیشنهاد آقای اعتبار قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم دو عشر تبدیل به سه عشر شود و تبصره حذف شود.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - عرض کنم بعقیده بنده استدالات هر دو طرف وارد بود اگر بگوئیم که رعیت اگر دروغ گفت جریمه بشود ممکن است که همانطور که آقای باسانی فرمودند رعیت بالنظر مالک اینرا تهیه بکند و از آن طرف جریمه برای او مورد ندارد و مالک هم اگر جریمه زراعتی را که از آن اطلاع ندارد بدهد آنهم مورد ندارد باین جهت بنده فکر کردم که آن اشتباهی را که تصور میورد مالک بکند همانطور که آقای وزیر مالیه خودشان فرمودند بکفوری وسعت بدهیم دو عشر را بکنید سه عشر و بعد هم اگر تبصره را حذف کنید بنظر بنده بهتر است

وزیر مالیه - اگر اینطور که آقایان اظهار میکنند صیفي و شتوی را اگر از هم مجزی بفرمائید مانعی ندارد صیفي سه عشر شتوی دو عشر

بعضی از نمایندگان - صیفي سه عشر شتوی دو عشر اعتبار - بنده هم با این نظر موافقم. صیفي سه عشر شتوی دو عشر

مهدوی - بنده با حذف تبصره مخالفم

رئیس - شما مخالفید آقا

مهدوی - بلی

رئیس - بفرمائید

مهدوی - موضوع موضوع دو عشر یا سه عشر یا اینکه چقدر گرفته شود نیست موضوع موضوعی است که بخلاف قدرت يك شخصی باو گفته شود صورت بده من دیروز هم در کمیسیون با آقای وزیر مالیه و آقایان عرض کردم و حالا هم عرض میکنم شاید در خراسان خیلی کم باشد املاکیکه آقایان دیروز پیشنهاد دادند و گفتند رعیت چیزی نمیدهد آنجا تقسیمش مرتب است و مالکین خراسان شاید چندان در زحمت نباشند ولی در مازندران و آذربایجان و قزوین و عراق و اغلب جاهای ایران املاک تقسیمش با رعیت است چنانکه خود بنده پارسال مازندران بودم يك شکل مخصوصی است کندم و جو و برنج در مازندران قسمت میدهند بنبه کاربرا قسمت نمیدهند در بعضی جاها در باغات قسمت نمیدهند جریبی میدهند صیفي کاربرا اصلاً بعضی جاها بمالک چیزی میدهند و بعضی جاها اگر میدهند بطور مقاطعه میدهند در این قانون نوشته شده است که سه سال محصولش را مالک صورت بدهد دو عشر یا سه عشر یا فلان چطور يك مالک میتواند از بنبه کاری یا صیفي کاری که حقی ندارد صورت عایدی سه سال گذشته آن را صورت بدهد که يك رعیت پنج تومانی يك رعیت ده تومانی صیفي کاری کرده است و برای خودش هم بوده است حسابش را مسؤلیتش را قبول کند؟! من هر قدری تحصیل میکنم بقدری باشد که در قدرت من است من چطور علم را ایجاد کنم دارای علم غیب بشوم که رعیت در این ملك چقدر محصول داشته این يك تکلیف مالا بطلاقی است که بعقیده بنده نمیشود جریمه

بآن تحصیل کرداز آنطرف هم دولت میگوید من محصول را میخواهم بدانم حق هم دارد اما چیز را که بنده میدانم سه سال گذشته را از کجا بروم من صورت بدهم این يك چیزی است که بکلی بعقیده من غیر ممکن است یاسانی - مالک نتواند رعیت میداند آقا؟!!

رئیس - خوب آقای خبر اظهار موافقت نکردند؟

مخبر - بنده هم قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای اعتبار را؟ (مخبر - بلی) بچه جور

مخبر - دو عشر برای شتوی سه عشر برای صیفي

بعضی از نمایندگان - مخالفیم

رئیس - حذف تبصره را چه میفرمائید؟

مخبر - موافقم

بعضی از نمایندگان - حذف تبصره نمیشود

وزیر مالیه بنده می بینم هر يك از آقایان يك

عقیده دارند و يك وجه حلی پیشنهاد میکنند من میدانم هر چه میشود آقایان يك جور میفرمایند که اتفاق آراء درش باشد ولی طریقی را که آقایان پیشنهاد کردند نزدیکتر واقرب و جوامع است برای مسئله برای اینکه مالک بالاخره صورت ندهد میفرمائید که جایش چه چیز است چه جریمه برای او هست غیر از این جریمه ایست که در ماده نوشته است آنهم که نوشته اگر معین گردد که صحیح نگفته از کجا معین میشود؟ دولت يك شخصی را میفرستد آنجا که تحقیق کند این شخص چطور میتواند بهتر از مالک تحقیق کند وقتیکه خود مالک این اطلاعات را ندارد آن شخص چطور میتواند معین کند وقتیکه شما تا صدی سی اشتباه او را مسامحه میکنید خوبست آقایان موافقت بفرمائید که همینطور حل شود برای اینکه هر پیشنهاد دیگری هم که بشود خود آقایان دیگر موافق نیستند

مهدوی - عملی نیست

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - اگر آقایان اجازه بدهند بنده يك نظری

دارم عرض کنم بنده و هر کسیکه طرفدار اصلاح مملکت شده است باید معتقد بشود که آسایش زارعین تأمین شود برای این که این

عظمته مستازم وضع اصول منتهای در وضع قانون نیست عرض کنم يك قسمت مهمی از این مملکت زراعتهاست و میشود که مالکین بهیچوجه از آن اطلاع پیدا نمیکنند (صحیح است) مازندران در ذاتش بنده گندم جو و انواع زراعتهای دیگر میکنند بدون اینکه مالک اطلاع داشته باشد در يك موضوعی که عایداتش بمالك نمیرسد هیچ دلیل ندارد که دولت پیشنهاد کند یا قبول کنیم که متوالیت آن متوجه کسی بشود که خودش اصلاً عمل نیاروره است بنا براینست که بنده میخواهم با اطلاع آقایان بر نشانم که همان استدلالیکه آقایان میکنند که مالک بمالك خودش علاقمنده است همان استدلال هم صحیح است که بگوئیم در دادن صورت بر عایای خودش کمک میکند زیرا که تحمیلانی که بر عایا وارد شود مستلزم تحمیل باواست پسر آقایان رو به معرفت مطمئن باشند که این تبصره هم صلاح مملکت است هم عادلانه است و هم بصالح رعایا است (صحیح است)

دشقی - بنده تبصره را پیشنهاد میکنم چون مخبر کمیسیون بخذف موافقت کرد بنده پیشنهاد میکنم
رئیس - قسمتهای دیگر را به بنیم - آقای دشقی پیشنهادی کرده اند قرائت میشود

پیشنهاد آقای دشقی

بنده پیشنهاد میکنم بعد از کلمه متصدی نوشته شود بمستأجر
رئیس - آقای دشقی
دشقی - عرض کنم یکی این که این تبصره خوب خوانده نشد و غالب آقایان رقفا خیال کردند که این يك اجحافی است بحقوق زارع از این جهت اینجا يك داد و بی داد هائی شد که قسمت اعظم مجلس اعتراض کردند و بر خود بنده هم همین اشتباه شد رفتم تبصره را خواندم بعد از آنکه خواندم دیدم واقعا این تبصره خیلی خوبی است ملاحظه فرمائید میگوید منالك میتواند نسبت بمخسولانی که خود از آن بهره ندارد اظهارنامه بدهد و اگر این اظهار نامه خلاف واقع شد آن دهنده

ایران دو قسم محصول در ایران دارد یکی شتوی است یکی صیفی شتوی را هر مالکی بگوید اطلاع ندارم دروغ میگوید يك دفعه هم دروغ نمیگوید دوپست دفعه دروغ میگوید حالا یکمن زیادتر پنج من کمتر بالاخره مالک از بهره که خودش میگیرد میگوید این پنج قسمت است در این ملک دو قسمتش بهمن میرسد اینک دو قسمتش شد آن سه قسمت دیگرش همین است در اظهارنامه سه قسمت آن میزود روی دو قسمت و می نویسد اینقدر حالا این واقعا نود من تریز دروغ بگوید یا پنج من اضافه بگوید این مقدور است ممکن است آدمی سر مسئله صیفی همه اشکال اینجا است حضرت آقای طهرانی اینکه عرض میکردم عرض دارم نه اینکه با شما مخالفم بلکه برای این است که اگر شما هم عنایت فرمائید عرض بنده را تصدیق میکنید عرض را تصدقت. الا آن در تمام ایران رعایا و مالکین این نزاع را باهم دارند لآن ثبت اسناد آقای وزیر محترم غدلیه اینجا تشریف دارند لآن ممکن است الا آن مراجعه فرمائید بثبت اسناد راجع بثبت اسناد این رقبات که باغات است در ملکها الا آن متلایه است من خودم پست فقره ناگراف حامل بودم آوردهام به ثبت اسناد دريك ملكی رعیت می آید برای خودش يك باغی از شما جواز میگیرد درست میکند باغ میوه باغ انگور باغ هر چیزی هندوانه میکارد خربزه میکارد پیاز میکارد و قس علی ذلك - اینرا هر جریبی بمالك میدهد یا پنجقران یا حد اکثر پانزده قران مالکین فوقالماده در تجسس هستند شب و روز که میزان عایدی يك جریب را بفهمند چقدر است و همانقدر که این مالک در تجسس و فهمیدن منافع يك جریب است همینقدر هم رعیت در فکر مخفی کردن منافع يك جریب است مالکین الان اینجا چند نفر مالک هستند من از شان سؤال کردم که به بنیم که آقایان میدانند که يك جریب انگور در ملکشان چه میزان محصول دارد هر يك از آقایان جواب دادند ما هشت هزار میگیریم هشت هزار را حفظ است اما چقدر عایدی دارد آن يك جریب انگور نمیداند اگر هم بداند اذعا است از آن ادعاهای بیدلیل است حالا من

عرض میکنم که راجع بتعیین میزان محصول شتوی مالک خودش اظهار نامه بدهد جریمه اش را هم قبول داشته باشد و در کمال صفا مجازات هم بشود. در میزان صیفی مالک که امضاء میکند زیر این اظهار نامه را رعیت آن ده هم زیر اظهار نامه را امضا کند اگر دروغی در ضمن دارد متعلق بصیفی مربوط بشود برعیت نه اینکه بمالك مربوط شود و با آن کسی مربوط بشود که این باغ را میکارد این را موافقت فرمائید بخلاف عرض نمیکنم هم دولت بمقصود خودش میرسد هم مردم در رفاه هستند در کمال خوبی. لفظ رعیت هم آقایان را نلرزاند لفظ رعیت حاجی رنجبر رنجکش رنجبین اینها نلرزاند شما را طرف يك واقعی بروید حالا هر عایقی بر سر راه شما هست آن عایق را بردارید خواه آن عایق مالک باشد خواه رعیت باشد سیاه و سفید در مقابل قانون فرق ندارد آقا و بنده در مقابل اجرای قانون فرق ندارد (صحیح است) این را گول نخورید نلرزید لفظ رعیت همه عصبانی میشوند رعیت دروغگو همان طور باید مجازات بشود که ارباب دروغگو مجازات میشود (صحیح است) تمام شد رفت این تبصره بنده بود آقای وزیر محترم مالیه هم موافقت فرمائید آقای مخبر هم موافقت فرمائید که این جار و جنجال تمام بشود

بعضی از نمایندگان - صحیح است - بعضی دیگر اینطور نیست - همههمه - زنك رئیس (دعوت بسکوت)
مخبر - رأی بگیریید بسته بنظر مجلس است
اورنگ - حالا پناه میبرم بخدا
رئیس - آقای شریعت زاده
شریعت زاده - اینکه ما اینجا صحبت بکنیم که رعیت یا مالک کدامشان راست میگویند کدامشان دروغ بمقیده بنده ضرورت ندارد این امنیتی که فعلا در مملکت دایر شده باید سعی بکنیم کاملاً دوام داشته باشد و در نتیجه تکمیل و تزئید وسائل تولید ثروت همین رعیت را ثروتمند بکنیم که اگر بخوانند دو من سه من از محصول را کم کنند این قابل اعتراض نیست و بنظر بنده تبصره

اظهار نامه جویبه را بدهد موقوفی طلبه بودیم يك اصطلاحی داشتیم: من له القم فعلیه القرم هر کسیکه منفعت نمیرد او باید جریمه را بدهد این معنی ندارد يك مالکی که هیچ نفی از يك ملكی بر ندارد و مسئول آن ملك هم نباشد اما جریمه بدهد این معنی ندارد که بالاخره زارعی که آن ملك را عمل میکند و منتافع آنرا هم بر می دارد باید اظهار نامه بدهد و اظهار نامه صحیح هم بدهد و اگر هم صحیح نبود جریمه باید بدهد این يك مسئله خیلی منطقی و واضحی است من تعجب میکنم که چرا اینقدر در این باب اختلافات میشود از اینجهت اگر مخبر رئیسینون بخذف این تبصره موافق باشند بنده این تبصره را باسم خودم پیشنهاد میکنم و قبول میکنم و این پیشنهاد فعلی را هم مسترد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای اورنگ
اورنگ - حالا این تبصره بنده است
پیشنهاد آقای اورنگ

مقام عالی ریاست مجلس شورای ملی دامت عظمته تبصره ذیل را بماده چهار پیشنهاد میکنم که مالک در اظهار نامه میزان محصول شتوی را شخصاً تعیین و میزان محصول صیفی را مالک و رعیت هر دو مشترکاً تکلف بدادن اظهار نامه هستند

رئیس - آقای اورنگ
اورنگ - عرض کنم که تقاضای يك دقت و عنایتی دارم نسبت بر اراضی خودم (کارروزی - بنده حاضریم برای شنیدن) و گمان میکنم حل بشود. دولت دو منظور دارد منظور اولش این است که مالیاتش را باین کیفیت بخصوص بگیرد و مسئله دوم یعنی منظور دوم هم این است که محصول قراء مملکت ایران هم همین شود بداند قریه حسین آباد چه میزان محصول دارد این منظور دولت است و غیر از این دو منظور نیست ما هم که میخواهیم این دو منظور را تأمین کنیم یعنی هم دولت بمالیاتش برسد هم حقیقتاً بفهمد حسین آباد چه مقدار محصول داده حسین آباد و عنایت آباد و غیبات آباد و تمام مملکت

عملی تراست جامع تر است و بهتر است (صحیح است) به علاوه خواستم توجه آقایان را جلب کنم و مخصوصاً توجه آقای اورنگ را که در خیلی از جاها محصول شتوی هم هست که مالک از آن حق نمیگیرد بنا بر این این تبصره که پیشنهاد شده بود یعنی تبصره اول جامع تمام نظریات بود و خواهش میکنم آقایان موافقت بفرمایند همان تبصره اول تصویب شود (صحیح است)

وزیر مالیه - بنده باید عرض کنم که در این باب دولت بهیچ یک از وجوه زیاد علاقمند نیست فقط علاقه مند باین است که محصول را معین کند حالا آقایان میان خودشان اختلاف دارند آقای مخبر گفت حذف تبصره را قبول کنید ممکن است تبصره قابل توجه بشود بکمسیون برود یا اینکه آن یکی قابل توجه بشود بکمسیون رفتن لازم نیست بنده عرض میکنم که یکی از این وجوهی که دولت محصول را بوسیله آن بداند چقدر است باشد چه بواسطه اینکه دایره اشتباه را که خود بنده ترجیح میدادم بگذردی وسعت بدهند و مالک آن تحقیقی را که مأمور دولت خواهد رفت و خواهد کرد خود مالک تحقیق بکند و این یک چیز محالی نیست که آدم بگوید فلان باغ در فلان جا انگور دارد من نمیدانم مثل اینکه در بش قفل دارد. در بش قفل ندارد می رود رسیدگی میکند تحقیق میکند از همسایه اش می پرسد و از کدخدایش می پرسد بروند رسیدگی کنند بفهمند اگر اشتباهی کرد اشتباهش هم تا صدی ده صدی بیست صدی سی معاف است اگر این تبصره را قبول کند مجلس ماقبول داریم اگر هم خیال میفرمایند آقایان که محال است اصلاً با صدی هفتاد اشتباه هم کسی محصول ملکی را که خودش از او بهره نمیگیرد معین کند در اینصورت مستقیماً آن کسی که خلاف میکند و صحیح نمیگوید باید جریمه باو تعلق بگیرد این تبصره هائیکه پیشنهاد شده است هر کدام از اینها را که مجلس رأی بدهد بنده قبول دارم و مقصود این است که محصول در اظهار نامه قید شده باشد و دولت بداند و البته برای اینکه رأی خود را عرض

بکنم ترجیح میدهم که مالک بدهد و میزان اشتباه را که معاف است زیادتر کنند به حال می خواهم رأی قطعی گرفته شود
دشتی - بیکبار دیگر خوانده شود یکی از نمایندگان - پس هر دو فقره قرائت شود
مهدوی - مال آقای دشتی مقدم است
اورنگ - تبصره آقای دشتی مقدم است
رئیس - آقای دشتی پیشنهاد کوچکی کردند و استرداد کردند و طرفداری کردند از تبصره قدیم و سه نفر آقایان شریعت زاده و آقای فرش و آقای مهدوی هم پیشنهاد کردند تبصره قبل قرائت شود بعضی از نمایندگان - قرائت شود
رئیس - (خطاب به آقای اورنگ) میل دارید آن مقدم باشد؟

اورنگ - بلی

رئیس - آقای شریعت زاده پیشنهاد خودتان را بنویسید
شریعت زاده - همان است که عرض کردم آقایان متوجه هستند همان تبصره بود که عرض کردم عملی تر است

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - خرده خرده مطلب را آقایان میبرند روی یک چیز های غیر واقعی دولت از نقطه نظر کار مالیات می خواهد. مگر دولت از سهم زارع مالیات می خواهد؟! (همه نمایندگان - صدای زنگ رئیس) باید مالک مالیاتش را بدهد احصائیه محصولش را بدهد (همه) مالکی که نتواند احصائیه ملکش را بدهد سفته است (همه نمایندگان - صدای زنگ رئیس) مالکی که نتواند تحقیق کند عوائد ملکش چقدر است اگر یک چنین مالکی پیدا بشود مأمور مالیه بهتر از آن مالک سفته است که نداند عایدی ملکش چقدر است!! (همه) نمایندگان) پس او قیم لازم دارد! اول مجلس باید برای او قیم معین کند! شما مجازات و مسئولیت قانونی را میبپایانید و با یک عبارت های خرده خرده تصدی و مقاطعه و اینها میبرید و متوجه رعیت میکنید! دولت و مأمور مالیه بار عایای دهات جار و جنجالها را میبندازند

و تسبیح حاصل نشود اینست که بنده با این تبصره مخالفم
رئیس - نظر آقای مخبر چیست؟

مخبر - رأی قطعی گرفته شود

رئیس - نمیشود رأی قطعی گرفت

مخبر - چرا؟

رئیس - بفرمائید تا توضیح بدهم. پیشنهاد کردند که حذف شود حذف را مخبر پذیرفت بنا بر این از ماده طبعاً محروم ماندیم سه نفر دیگر پیشنهاد میکنند افزوده شود اگر باز مخبر قبول بکند رأی قطعی میگیریم اگر تردید کند رأی بقابل توجه بودنش میگیریم.

مخبر - از همین جهت بنده قبول میکنم

اعتبار - بنده پیشنهاد تجزیه میکنم

رئیس - بیکسمت دیگر میماند. مسئله دو عشر و سه

عشر را مخبر قبول کرد آقای مهدوی پیشنهاد میکنند کافی السابق باشد

مهدوی - بنده آنرا کاری ندارم همانقسمت تبصره را پیشنهاد کردم.

رئیس - پس حالا میبایستی رأی بگیریم. آقای فولادوند هم پیشنهادی کرده اند پیشنهاد خودتان را تعقیب می کنید

فولادوند - بلی

پیشنهاد آقای فولادوند

بنده پیشنهاد مینمایم هر قسمت از منافع ملک که مورد اختلاف بشود و رعیت و مالک مسئولیت آنرا قبول نمایند دولت ممیزی نماید
وزیر عدلیه (آقای داور) - نشنیدیم.

رئیس - دوباره بخوانید

(پیشنهاد آقای فولادوند ثانیاً خوانده شد)

رئیس - آقای فولادوند

فولادوند - غرض عرض بنده این است بقصدی

مذاکرات شده است که بنده حالا غرضم این نیست تصدیق عرض کنم اولاً این قضیه خیلی منطقی است که دیگری را بنام دیگری نمیشود مسؤول و جریمه برای او قرارداد از

آنطرف هم رعیت همه آقایان میدانند اطلاعات نسبت به عوائد و زراعت و ترتیب محصول حقیقه طوری نیست که قابل جریمه و مسئولیت با التزام بشود عرض بنده اینست که فلسفه ندارد که مالک در قسمت سهم خودش اگر نخواهد کم و زیادی بکند ممکن است اما برای سهم رعیت چه الزامی دارد که دروغ بگوید که اگر بخواند اظهار نامه بدهد برای او یک کم و زیادی قائل بشود (همه نمایندگان) اجازه بفرمائید از آنطرف رعیت هم همه آقایان میدانند (چرا البته چندین فرد بخصوص ممکن است اطلاعاتی داشته باشند) اما اکثریت اینها بطوریکه در اظهار نامه دولت بخواهند مسئولیتی قائل شوند برای آنها بنده عقیده ام اینست که تحمیل است و نمیشود این را بر آنها بار کرد حالا عقیده بنده اینست که در مقابل اظهار نامه آنچه مالک اطلاعات از سهم رعیتش داد البته با مسئولیت قبول مجازات بدهد اظهار نامه را اگر در یک موردی مالک اطلاع نداشت ممکن است بخود رعیت مراجعه بکنند و رعیت اطلاع بدهد و با مسئولیت خودش آنرا قبول بکند حالا آمدم نقطه پیدا شد یا چندین نقاط که مالک اطلاع نداشت و نتوانست این مسئولیت را قبول بکند و هست و همینطور رعیت هم نتوانست برای اینکه آن بیچاره دچار جریمه نشود اینجا دولت ممکن است در این جور موارد مأمور ممیزی بفرستد که نه مالک مجازات شده باشد و نه رعیت (اورنگ - عملی نیست) اجازه بفرمائید اما اینکه آقای اورنگ و بیکسمت دیگر از آقایان فرمودند که فقط در قسمت صبی ممکن است مالک اطلاع نداشته باشد و در شتوی حتماً اطلاع دارد بنده عرض میکنم اینطور نیست موردش را هم عرض میکنم در قسمت خوزستان که حاصلخیز تر از تمام نقاط این مملکت است بمالکین آنجا مراجعه بفرمائید آنجا جفت گاو را نخیش میکنند مرسوم است که یک خیش بیست و پنجقران الی سه تومان بمالک میدهد از صیفی تا شتوی کائنا ما کان هر چه بکارند مالک اطلاعی ندارد و در تحت

هیچ قاعده نیست که مالک را برای آنها مسؤول قرار بدهید خود رعیت هم که هیچ اطلاعی از ممیزی یا از بودجه زندگانی خودش ندارد که او را جریمه کنند در اینچور موارد دولت مامور بفرستد ممیزی کند

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای فولادوند را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم بماده بطور تجزیه اول بماده بدون تبصره آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رأی میگیریم به تبصره مستقلاً موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تأمل بفرمائید (برای دقت در عده حاضره در مجلس) - تصویب شد رأی میگیریم بماده و تبصره توأماً موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ششم قرائت میشود

ماده ششم - در صورتیکه میزان محصول املاک و با عایدات آنها که در اظهار نامه درج شده مورد تردیدمانی مالیه واقع شود تشخیص عایدات حقیقی بتصدیق خبره مرضی الطرفین یا دو خبره از طرفین بعمل خواهد آمد و چنانچه بین خبره ها توافق نظر حاصل نشد پنج نفر از معتمدین محل از طرف اداره مالیه پیشنهاد مالک یا نماینده او یکی از آنها را انتخاب خواهد نمود و رأی سه نفر خبره مزبور با کثرت قطع خواهد بود در صورتیکه

دهنده اظهار نامه در تعیین خبره بیش از یکم هفته پس از تقاضای اداره مالیه اقدام به تشخیص عواید حقیقی ملک و مالک خواهد نمود و در اینصورت مخارج مامورین اعزامی از طرف مالیه از اظهار نامه دهنده اخذ خواهد شد تبصره ۱ - در املاک ممیزی شده که ممیزی آنها مورد اعتراض دولت و مالک واقع نشود دادن اظهار نامه

مذکور در ماده ۴ لازم نخواهد بود و در غیر این املاک مادامی که دولت بخرج خود ممیزی جدید نکرده مالیات جدید را بر طبق اظهار نامه مذکور در ماده فوق اخذ خواهد کرد

تبصره ۲ - وزارت مالیه مکلف است در ظرف ششماه رد یا قبول خود را راجع بمندرجات اظهار نامه تسلیم شده بمالك ابلاغ نماید و در صورت مسامحه مندرجات اظهار نامه برای طرفین قطعی خواهد بود

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - واله بنده می بینم این ترتیبی که در این ممیزی پیش بینی شده و ترتیب داده شده است پنج سال هم این ممیزی ها تمام نخواهد شد و در این مدت همه اش بر ضرر دولت و مردم خواهد شد بنده عقیده ام اینست که دولت در نظر بگیرد بکفدری سال اول هر چیزی تازه اش را اول قدری مراعات کنند بیا مردم بکفدری همراهی کنند در ضمن اگر تخلف پیدا شد ممکنست تخلف را بک ترتیبی اصلاح کنند اما این ماده را که بنده میبینم در هر دهی در هر قریه در هر قطعه ملکی این اختلافات از اول خواهد بود و همه روزه اسباب کشمکش بین دولت و رعیت خواهد شد و ابدأ اینمطلب تمام شدنی نخواهد بود بنده عقیده ام اینست که سال اول و دوم مطابق اظهار نامه که خود مالک میدهد دولت معمول بدارد در ضمنش هم خودش تعقیبات و تحقیقاتی بکند هر جا دید که اجحافی بدولت شده بیک ترتیبی خودش اصلاح بکند والا باین ترتیب ممیزی و این اظهار نامه ابدأ پیشرفت نخواهد کرد

مخبر - اگر باین پیشنهاد آقا دولت متوجه بشود باید بکلی از مالیات صرف نظر بکند

(صحیح است احسنت)

رئیس - آقای مهدوی

مهدوی - موافقم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی میگیریم بماده ششم موافقین قیام فرمایند (اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد ماده هفتم قرائت میشود ماده هفتم - در صورتیکه پس از تشخیص محصول ملک و عایدات مالک بطرز مذکور در ماده ۶ معین گردد که دهنده اظهار نامه محصول ملک را بیش از دو عشر یا عایدات مالک را بیش از یک عشر کمتر از عواید حقیقی قلمداد کرده است در مورد اول دو برابر و در مورد ثانی پنج برابر مبلغ و مقداری که مابه التفاوت عواید حقیقی و عواید بر طبق اظهار نامه است برای یک دفعه بعنوان جزای نقدی از دهنده اظهار نامه مأخوذ خواهد شد

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - خیلی خوشوقتم که خصوصاً آقایان وزراء همه تشریف دارند و خواهش میکنم بعرض بنده يك دقتی بکنند عرض کنم همینطور که آقای وزیر مالیه فرمودند بنده هم عقیده ام این است که دروغگو بسیار بد آدمی است يك خلاف شرعی مرتکب شده و فاسق هم هست (کازرونی - هر که میخورد باشد) هر که میخورد باشد لیکن تصدیق بفرمائید که مجازات باید متناسب با تقصیر باشد در این فلسفه تصور نمیکنم احدی شبهه داشته باشد عرض کنم که ما اینجا قرار داد کردیم که اگر يك کسی مستنکف شد یعنی مالیات دولت را نداد بکماه اگر معطل کرد يك عشر دو ماه اگر معطل کرد يك عشر و نیم سه ماه اگر معطل کرد يك عشر و نیم بالاخره دو عشر و اگر تخلف کرد چه کنیم دو عشر از مالیاتش را اضافه بگیریم حالا عرض کنم چه میشود بنده يك مثالی میزنم زیدی هزار تومان عایدات داشته باید بدهد سی و پنج تومان آمد و نداد چهار ماه هم طول کشید چه جرمی از او بگیریم هفت تومان دو عشر آن علاوه میشود چهل و دو تومان ارزش مالیات میگیریم در حالتیکه در اینجا چه نوشته نوشته است مستنکف، مستنکف کیست آن کسیکه امتناع بکند بطور تکبر یعنی مستنکف در لغت اینست (امتنع استکبراً) يك کسی که جلو دولت مقاومت میکند

مالیات دولت را نمیدهد استنکاف میکند از او هفت تومان بگیرند اما یک نفر میگوید بنده اطاعت دارم مالیات دولت را میدهم هزار تومان عایدات من است سی و پنج تومان را دادم حالا آمد و رئیس مالیه گفت خبر آقا بیشتر است و این يك دروغی گفته است آمدند و رسیدگی کردند دیدند دیدند دروغ گفته ایا آن مستنکف گناهش بیشتر است یا دروغگو البته مستنکف گناهش بیشتر است دو هزار تومان عایدات اوست و سی و پنج تومان بدولت ضرر زده پنج هزار تومان مطابق این ماده باید بدهد یعنی صد و شصت برابر کجاست؟ آقای یاسانی که دبروز با آقای فیروز آبادی می گفتید مجازات شدید در این مملکت نباید باشد بنده هم تصدیق دارم و هم عقیده حضرتعالی هستم به آقای فیروز آبادی هم میگویم که مجازات شدید نباید بشود ولی بنده میگویم برای سی و پنج تومان دروغ پنج هزار تومان جریمه بدهد هیچ عقلی هیچ انصافی اجازه نمیدهد در دنیا همچو قانونی هست؟ بنده که تصور نمیکنم باز بفرمائید پنج برابر مالیاتش بنده قبول میکنم دروغ گفته پنج برابر ارزش بگیرند دوست تومان ارزش بگیرند اما پنج هزار تومان از برای سی و پنج تومان دروغ مطابق هیچ قاعده درست در نمیآید اشتباه هم بنده نکردم اگر هست آآن بفرمائید بنده میگویم اگر اینجا بود تفاوت مالیات را بنسیج برابر بگیرند يك چیزی بود لیکن تفاوت عوایدش نوشته تفاوت محصول را نوشته اند حالا به بینید آقای فررغی آقای داور وزیر عدلیه متخصص در علم حقوق هستند استدعا میکنم بعرض بنده توجه بفرمایند به بینند این مجازات خیلی شدید هست یا نه اگر پنج برابر مابه التفاوت مالیات را بگیرند باز اگر چه ظالمانه است باز میگویم قبول میکنیم و حال آنکه شما ملاحظه بفرمائید همینطور که دروغ از گناهان کبیره است رشوه گرفتن اعمال دولت از این بالاتر است و در قانون مجازات ارزش دو برابر میگیرند رشوه گیر که بالاتر از دروغگو است اگر مجلس باشد آنچه اختلاس کرده است مطابق قوانین مجازات

عزومی ضعف پول را ازش نمیگیرند لکن اگر دروغ گفت پنج برابر حقوق دولت را ازش میخواهند این است که بنده پیشنهاد کردم پنج برابر تفاوت مالیات را ازش بگیرند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقت؟

آقا سید یعقوب - مخالفم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - مخالفم

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - بنده موافقم خیلی هم موافقم

رئیس - بفرمائید

اورنگ - عرض می کنم بحضور محترمان که يك چیزی را از آقایان انصاف میطلبم يك مرد محترمی خیلی هم سواد دارد علم دارد شصت سال هفتاد سال رفته تحصیل علم کرده علمش هم منفعت میدهد بجامعه تمام هنرهای دنیا را تحصیل کرده است از هر هنرش هم آدم مستفیض میشود سر نود سال این آدم سه شاهی دزدی چکرده است خدا و رسول خدا و همه شرابع در عالم گفته اند این آدم را با تمام این هنرها بیاورند دستش را اینطور قطع کنند (فیروز آبادی - سه شاهی نیست اینطور) بسیار خوب آقا سیددینار دزدی کرد نه شاهی کرد سه هزار کرد. یکی سه قران دزدی کرد. (فیروز آبادی - ربع دینار زیاد تر) برای این اشکال آقا آن دزد فرض میکنیم زیاد تر دزدی کرد (همه نمایندگان)

حالا انصاف این است که يك همچو دست برهنی را بیاورند بگذارند اینجا و دستش را قطع کنند. این انصاف است؟ ولی قانون میگوید این است دیگر قیمت ندارد قیمت تا وقتی داشت که اینطوری طرف دزدی نمیرفت راست میرفت، کج نمیرفت. شما قبول دارید که این آدم آمده است دروغ گفته برای چه دروغ گفته؟ برای اینکه تا خودش عمر دارد تا پسرش عمر دارد نوه اش عمر دارد. طایفه اش عمر دارد مالیات بجزایه مملکت در

فیکندند ایرانی است این مجلس شورای ملی است ما هم نمایندگان مملکت هستیم نمایندگان مردم هستیم این آقایان هم وزرای این مملکت هستند وزرای ما هستند مذاکراتی ما میکنیم البته از نقطه نظر راحتی عمومی است اعم از زارع و رنجبر یا کاسب یا تاجر یا طبقات دیگر پس ما اینجا اختلافی از نقطه نظر طرفداری حقوق رنجبر یا بر علیه منافع مالکین نداریم يك لایحه آمده است با آنکه شخصاً بنده با این لایحه مخالف بودم و الان هم هستم و البته هر ترتیبی که اصلاح شود هم از نقطه نظر طرز عمل برای دولت سهل میشود هم برای مردم که البته دولت منافع مردم را در نظر گرفته و در اجرا هم امیدوارم مساعدت کنند همانطور که آقایان گفتند دروغ بد است بنده هم میگویم دروغ بد است هر کس که بشنود دروغ را میگوید بد است ولی آقا موضوع این هست که به بینیم که من راست میگویم یا دروغ میگویم اولاً این موضوع را باید تشخیص بدهیم که اقتدار باینکه راست بگویم داشتم و دروغ گفتم یا نه؟ بعقیده بنده در اینصورت او را باید مجازات کرد اما آنها نه بآن اشد مجازاتیکه آقای اورنگ میگویند. در تمام دنیا همان کتابهای آسمانی هم از برای مجازات يك در جانی قائل شده چنانچه علمای مهم حقوق همانطور که آقای داور اشاره فرمودند ایشان هم وزیر عدلیه بودند اعدام از برای يك مجازات برای يك جرم يك مرتبه قائل نشده اند حالا اعدام که بنده اسم نمی آورم يك حد اشدی را برای او نیاورده اند مراتبی را مراعات کرده اند. برای کسی که ده تومان دزدی کرده يك مجازات قائل شده اند برای یکفتری که يك تومان دروغ گفته يك مجازات. حالا البته مورد بحث بنده نیست بنده در این موضوع ماده هشتم نهم خیر ماده هفتم اگر چه راجع بمحصول اینجا خیلی صحبت شد ولی حقیقتاً آقای تقی زاده میخواستن تکرار موضوع کنم ولی يك قضیه هست که بنده خواستم منصفانه خود مان هم قضاوت کنیم به بینیم اگر اینجا نوشتیم محصول ملک را باید مالک معین کند البته عایدات ملک يك چیزی است که همانطوری که آقا اشاره کردند يك

چیزی که به بنده عاید می شود صد تومان است هزار تومان است صد هزار تومان است بنده کار ندارم اگر بطواهم راستش را نگویم مطابق همین مقررات باید مجازات شوم چون اطلاع کامل دارم. بنده هزار تومان عایدی داشتم گفتم پانصد تومان دولت آمد و ثابت کرد که من دروغ گفتم البته باید مجازات شوم که بعدها دیگر دروغ نگویم و عادت باین کار رذیله نکنم چرا که عادت بد دروغ بسیار بد است ولی بنده عرض میکنم به بینیم آیا حقیقتاً يك قانونی که در مملکت تصویب می شود و اینها در حدود اقتدار بنده هست که بنده راست بگویم آنوقت بیاید شما مرا مجازات بکنید بنده عرض میکنم که تشخیص محصول ملک (تا بحال خیلی گفتگو شد و آقایان مالکین هم اینجا هستند) بعقیده بنده نه زارع میتواند معین کند نه مالک الا آن هم لائلی در این موضوع دارم که ثابت بکنم. بنده یاسایر مالکین یا فلان زارع ایرانی اساساً نمیدانند که يك جریب ملک چقدر محصول میدهد حالا چرا نمیدانند؟ بنده نمیخواهم اینجا بگویم که چرا نمیدانند، نزاکت به بنده اجازه نمی دهد که عرض کنم وسائل فراهم نیست، دولت آمد قانون ممیزی را از مجلس گذراند آمدند کیلان را ممیزی کردند تمام کیلان را الا آن خود آقای تقی زاده اگر مراجعه بکنند بصورت ممیزی خواهند دید تمام کیلان مساحی شده است يك جریب ملک بدون مساحت اساساً در کیلان صورت خارجی ندارد ولی آمدند پارسال دو سال قبل در محصول ملک ما بین مالیه و مالکین اختلافی واقع شد مالکین گفتند که يك جریب ملک را که ما زراعت میکنیم بیست من ما از پنجاه من می بریم و سی من زارع ملک چقدر حاصل میدهد؟ مالک میگوید پنجاه من دولت میگوید صد من این اختلاف شد و بالاخره نه زارع نه مالک نه مأمورین نتوانستند تشخیص محصول ملک را بدهند. بالاخره دولت چه کرد دولت آمد ممیز خواست مساح خواست برونند يك بلوکی مثلاً بلوک کهدمات آنجا باز هم نتوانستند عایدات يك جریب را بطور حتم معین کنند و رفتند يك دهات مرغوب تری را ممیزی کردند محصول حداقل را معین کردند يك دهاتی که املاکش مرغوب بود سراب بود رعیش خوب بود

و اینها آنجا حد اکثر را گرفتند بنده بالاخره دولت هم باینکه تمام وسائل را فراهم کرده بود نتوانست حاصل یک دهانی را معین کند که محصول عاید این دهات چیست آنوقت آمدند یک بلوکی را حداقل معین کردند یکی راهم حداکثر این حداقل و اکثر را برای یک جریب معین کردند الا آن عمل ممیزی کیلان روی چیست؟ روی همان چیزی است که دولت حداقل و اکثر معین کرده از روی همان حداقل است نه در این موضوع زارع میتواند محصول را معین کند نه مالک میتواند معین کند این در عمل خودتان هم مصادف باین مشکلات خواهید شد بنده حقیقتاً نظرم باین است که نماینده هستم و رفع اشکال بشود که فردا این قانون هم در مملکت عملی نخواهد شد. عرض کردم یک حدی را برای بنده که مالکم یا زارع هشتم حدی را معین کنید که بتوانم من راست بگویم اگر دروغ گفتم حالاً یازارع است یا مالک است یا متصدی است یا مستأجر است البته باید مجازات شود. بنده عرض میکنم که شما تشخیص موضوع را بدهید به بنده میتوانید محصول کل یک جریب مالک یا دهانی را معین کنید آنوقت این ماده را بنویسید بنالوه در تشخیص جریمه همان طور که دیروز آقای آقا سید یعقوب و امروز آقای مؤید احمدی فرمودند این هم عملی نیست برای خاطر این که همان طور که خود آقا حساب کردند هزار تومان بنده آدم عایدات کل را هم بطور تخمین معین کردم اگر فردا مأمور مالیه اظهارنامه برای من می آورد بنده که مالک هستم نمیتوانم معین کنم خودم تقریبی معین میکنم حالا آن تخمین و تقریب سه عشر باشد چهار عشر باشد پنج عشر باشد بنده نمیتوانم راست بگویم یعنی وسائل راست گفتن برای بنده فراهم نیست. عاجز از راستگویی هستم قادر نیستم چیزی را که بنده قادر نیستم اساساً من نمی توانم راست بگویم این مجازات نباید شود هزار تومان اول دو عشر بود حالا سه عشر شد هزار تومان همانطور که حساب کردند صدی سه و نیم مالیات میگیرند بنده اگر آدم گفتم چهل من یعنی باین ترتیبی که نمیتوانم راست بگویم شما بیاید پنج مقابل چهل را از بنده مالیات میگیرید بنده از کجا پیآورم دو مرتبه مالیات بشما بدهم

وزیر مالیه - حقیقتاً این مسئله در واقع اسباب تعجب

بنده است که اولاً تمام دقت ها و اصلاحات در این که محصول را نمیتوانیم بگوئیم چطور معین کنند همه این اصلاحات شد و باز از سر میگیریم اگر ما بخواهیم واقعا صمیمی باشیم علامت رویه صمیمانه این است که هر چه میتوانید در اصل مطلب مذاکره بفرمائید فلان کار ترتیب این محصول اینطور باشد ترتیب تعیین عایدات مالک اینطور باشندیم عشر جریمه یا سه ربع عشر جریمه در فلانجا وقتی تأخیر کرد و فلان چیز وقتی که معین شد و بشبوت رفت و در آن موقعی که جریمه باو تعلق میگیرد و مجازاتی باو تعلق میگیرد که این کار صحیح واقع نشد آنجا دیگر نباید چانه زد وقتی که مقصود طرفین حاصل شد که این کار باید اینطور بشود و راه این را پیدا کردیم که مبادا کسی اشتباه کند در عایدات خودش گفتم بیلی میتواند تا صدی ده هم اشتباه کند بعد از همه اینها اشتباه هم نکرد و عمداً خطا آورد و خلاف کرد دیگر در مجازاتش نباید آقایان چانه بزنند زیرا این باعث این میشود که خود قانون سست و لغو شود این چیزی را که ایشان توضیح دادند و آقایان دیگر هم تکرار میفرمایند که مطابق مالیاتش باید جریمه شود بنده قبول دارم ولی اگر مطابق مالیاتی که مادامی که بهش تعلق میگیرد جریمه شود که اگر کسی دروغ گفت و آن دروغش باعث این شد که از مالیاتش ده تومان کسر شود باید جریمه اش را باندازه مالیات اضافه بکنند ناچند سال دیگر ولی این کار واقع نمیشود ایشان میفرمایند کسی اختلاس کرد دو برابر جریمه میکنند برای اینکه او یک دفعه اختلاس کرده است ولی اینجا این شخص سبب میشود بواسطه

خلاف کاریش که برای دولت يك كاری را که میخواهد اساس صحیحی در کار بگذارند باین قانون مجلس و دولت همه دقت در او میکنند يك اساسی بگذاریم که اظهار نامه بدهند و مردم برای همیشگی از این ترتیب راحت باشند که تحصیلدار بدهات نرود خود مالک اظهار نامه بدهد مطابق قول خودش هم مالیات برایش تعیین شود اگر هم اختلافی بشود خبره مرضی الطرفین معین شود و اگر مالیاتی هم باید بدهد خودش بیارود بدهد آنوقت اگر دروغ گفت باعث این میشود که بواسطه این خلافتش در مالیات دولت نکس مهمی وارد میشود آنوقت برای يك دفعه باندازه مالیاتش که دو تومان خلاف کرده چهار تومان جریمه ازش بگیرند این اگر بنا بود برای مالیاتش چنانچه عرض کردم اضافه کنند مطلبی بود ولی اگر برای يك دفعه باشد ما میخواهیم اولاً يك دفعه باشد که همیشه گرفتاری نداشته باشیم از آنطرف میخواهیم يك جریمه يك دفعه کافی برای این باشد که صدق مطلب ازش در بیاید شما میفرمائید که این هزار تومان محصول دارد از این هزار تومان دو بیست تومان خلاف گفت از این دو بیست تومان مالیاتش را حساب کنند بیایند به بینند مالیاتش میشود سه تومان و نیم (فرورز آبادی - هفت تومان) هفت تومان آنوقت چهارده تومان ازش بگیریم کسی که دو بیست تومان خلاف گفته است مجازاتش این است که ده دوازده تومان ازش بگیرند هر کس که این کار را میکند يك دفعه چهارده تومان ازش بگیرند اصلش چرا مجازات کنند هیچ چیز نگیرند. اگر بناست يك مجازاتی بکنند و يك جریمه بگیرند که او مجبور شود بصدقت و صدق باید تناسب داشته باشد اگر شما قصدتان این است که واقعا همه آقایان متفق القول هستند باینکه مالک مالیات خودش را بدهد میخواهید از يك عشر هم کمتر بکنید محصول خودش را هم تادو عشر میداند محصولی هم که خودش نمیداند که در تبصره قید کردید بخودش متوجه نمیشود نمیدانم دیگر کجایش نقصی باقی مانده است که این بدبخت و بیچاره است بعقیده بنده در صد نود و نهش

عمداً دروغ خواهد گفت با این بیانی که ما معین کردیم و اگر اشتباه نکنم دیگر هیچ خلافتی نیست در اینکه اگر کسی خلاف کار شد و بدولت و عایدات مملکت عمداً خواست صدعه برساند دیگر این تجزیه را صدی يك و صدی يك هم يك عشر دیگر چیزی نمیداند که اینها را مجبور بصدق بکنند خوب است این ماده را که يك جریمه البته برای يك دفعه برای کسانی که خلاف میکنند در این مقرراتی که هست و تخلف میکنند قبول بفرمائید در اینگونه مواد بیشتر از این مذاکره محل ندارد در هر جایی که واقعا يك اشکال حقیقی بود بنده خودم موافقت کردم و اشکال را تصدیق کردم و راه حلی پیدا کردیم ولی در مسئله نقصان و تقلیل جریمه و مجازات بنده هیچ موافقت ندارم جمعی از نمایندگان - کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای مؤید احمدی قرائت میشود بنده پیشنهاد میکنم آخر ماده هفتم این قسم اصلاح شود.

در مورد اول دو برابر و در مورد ثانی پنج برابر مبلغ و مقداری که مابه التفاوت مالیات از عوائد جنسی است برای يك دفعه بعنوان جزای نقدی از دهنده اظهار نامه مأخوذ خواهد شد

رئیس - بفرمائید

مؤید احمدی - یعنی عبارت است فقط لفظ مالیات را علاوه کردم مبلغ و مقداری که مابه التفاوت مالیات از عوائد حقیقی است تقریباً يك مرتبه بگیرند که تقریباً پنج برابر مالیاتش میشود این است پیشنهاد بنده و فرمایشات آقایان هم بنده را قانع نکرد چون بعرض بنده توجه نکردند بنده عرضم این بود که باید مجازات مطابقت بکند با تصریح مقصر متعذر را دو عشر گرفتید تصریح دروغگوئی را پنج برابر بگیرند زائد بر این بی اضافی است این است پیشنهاد بنده.

رئیس - با عده موجوده در مجلس و عده که در خارج مجلس بحالت منتظره داریم حساب میکنیم که

آقای مجیر قبول کردند. ما هم رأی گرفتیم. ولی در ماده چهارم هیچ مجلسی برای گذاشتن این عبارت وجود ندارد (آقا سید بقوب - جایش اینجا است). پس بنظر بنده باید موافقت کنید از اینجا بر داشته شود کلمه لغوی است و اگر نباید افزوده شود جایش در ماده هفت است (صحیح است)

(مجلسی یکساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

بنده منتظر آنها بودم. جماعاً بعد از کافی برای رأی نمیرسد (صحیح است) یعنی ما هفتاد و نه نفر میخواهیم. هفتاد و دو نفر در اطاق داریم. پنج نفر در خارج جماعاً هفتاد و هفت نفر رأی نمیتوانیم بگیریم و بنا بر این جلسه را ختم میکنیم. جلسه آتی سه ساعت و نیم قبل از ظهر موافقت فرمائید یک کمی زودتر (صحیح است) و دستور بقیه دستور امروز یک عرض هم دارم فراموش نشود در پیشنهادی که در ماده چهار آقای اعتبار کردند دو عشر و سه عشر